



■ برگزارکننده: آزاده شولی Curator: Azadeh Shooli

■ عکاس: میلاد کارآموز Photographer: Milad Karamooz

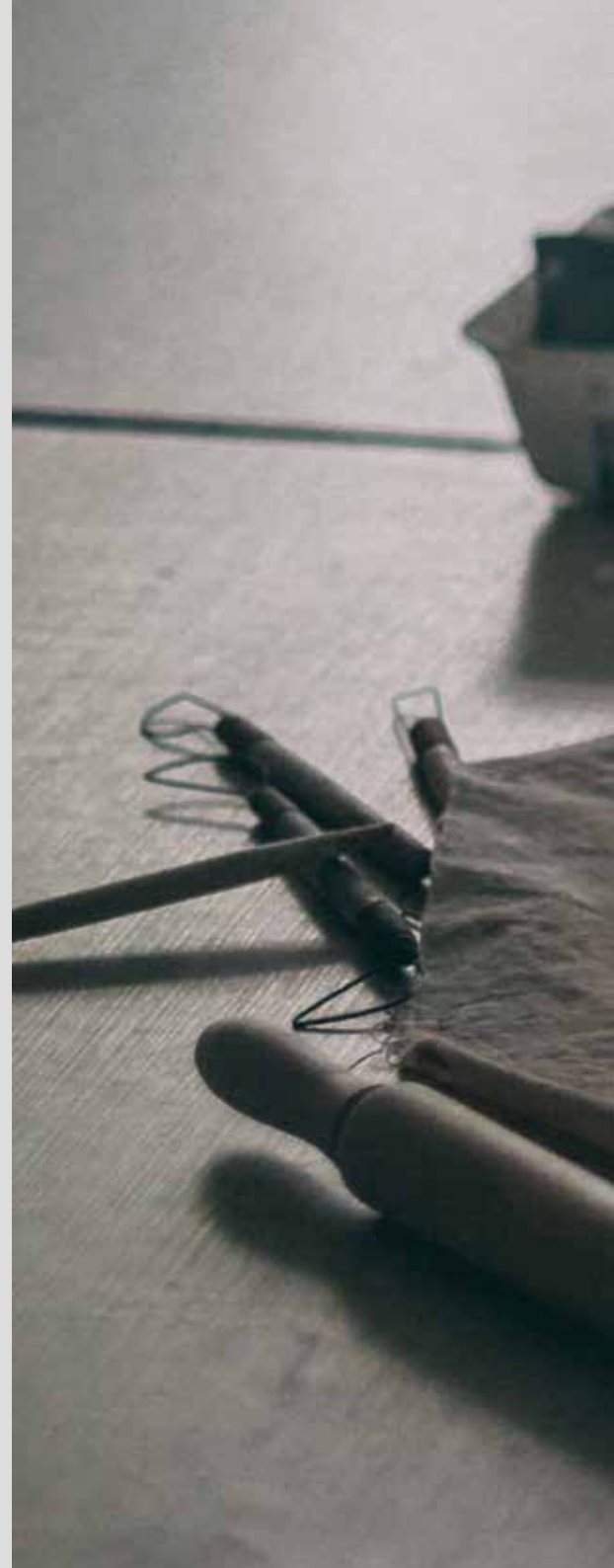
■ طراح گرافیک: نغمه فراهانی Graphic Designer: Naghmeh Farahani

■ ویراستار: بنفشه محمدیان Editor: Banafsheh Mohammadian

■ روابط عمومی: سحر افاضلی Public Relations: Sahar Afazeli



6	Parvaneh Eslami	۶ پروانه اسلامی
8	Hamid Reza Akbari - Shermineh Sharifi	۸ حمیدرضا اکبری - شرمینه شریفی
10	Somayeh Ilbeigi	۱۰ سمیه ایل بیگی
12	Sara Baftizadeh	۱۲ سارا بافتی زاده
14	Elnaz Beboodi	۱۴ الناز بهبودی
16	Maryam Parsazadeh	۱۶ مریم پارسازاده
18	Shahed Tabesh Akbari	۱۸ شاهد تابش اکبری
20	Farahnaz Tizdast	۲۰ فرحناز تیزدست
22	Maryam Jafari	۲۲ مریم جعفری
24	Nogol Jalali	۲۴ نوگل جلالی
26	Shafagh Janani	۲۶ شفق جنانی
28	Hanieh Haji Mirza	۲۸ هانیه حاجی میرزا
30	Nadia Hasanzadeh	۳۰ نادیا حسن زاده
32	Sara Khodami	۳۲ سارا خدای
34	Hoda Khavaninzadeh	۳۴ هدی خوانین زاده
36	Aseman Dehghan	۳۶ آسمان دهقان
38	Mahnaz Dinian	۳۸ مهناز دینیان
40	Sara Rostami	۴۰ سارا رستمی
42	Fatemeh Rashidi	۴۲ فاطمه رشیدی
44	Poopak Rahnamoun	۴۴ پوپک رهنمون
46	Ghazaleh Sepehrband	۴۶ غزاله سپهر بند
48	Niloufar Sangari	۴۸ نیلوفر سنگاری
50	Shohre Sheikhi	۵۰ شهره شیخی
52	Marjaneh Sadeghiani	۵۲ مرجانه صادقیانی
54	Malihe Toobaei	۵۴ ملیحه طوبایی
56	Sara Abbaspour	۵۶ سارا عباسپور
58	Mahzar Aliverdi	۵۸ ماه زر علی وردی
60	Kiana Kordestani	۶۰ کیانا کردستانی
62	Farzin Kovaji	۶۲ فرزین کواجی
64	Maedeh Mohammadian Amiri	۶۴ مائده محمدیان امیری
66	Banafsheh Mohammadian	۶۶ بنفشه محمدیان
68	Samira Molkarai	۶۸ سمیرا ملک آرای
70	Nazila Mahdavi	۷۰ نازیلا مهدوی
72	Shirin Mousavi	۷۲ شیرین موسوی
74	Neda Mirmirani	۷۴ ندا میرمیرانی
76	Shokoufeh Miri	۷۶ شکوفه میری
78	Makihe Varche	۷۸ ملیحه ورچه



در گذشته‌ی فرهنگ و هنر ما، انتقال فنون هنری و آموزش آن‌ها به نسل‌های بعدی، همواره از قاعده و اصول خود، در نظامی به عنوان نظام استاد و شاگردی تبعیت می‌کرد؛ اما با گذشت زمان، این نظام آموزشی سنتی به نظامی آکادمیک تبدیل شد؛ چنان‌چه در دوره‌ی معاصر، برای انتقال اطلاعات فنی هنرها، شاهد روش‌های آموزشی دیگری، غیر از شیوه‌های سنتی نیز هستیم. در این زمینه، هنر سفالگری به عنوان یکی از مهم‌ترین هنرها، که هر دو شیوه‌ی آموزش را تجربه کرده، قابل نقد و بررسی است.

اگر چه من در آغاز، دانشم در سرامیک را از شیوه‌ی آکادمیک به دست آوردم، اما در ادامه مسیر، ناگزیر خود را به کسب دستاوردهای آموزشی شیوه‌های سنتی نیز دیدم. هنگامی که کارگاه خود را تاسیس کردم، از هر دو شیوه، تجربه‌هایی کسب کرده بودم. به همین دلیل با خوب و بد هر دو آشنایی کامل داشتم. وقتی بخشی از روزهای کارم در را به آموزش اختصاص دادم، سعی کردم جنبه‌های مثبت هر دو شیوه را در قالبی مدرن مدون کنم. بنا به ضرورت، بخشی از آموزش درکارگاهم، به همان میزان که بر نظام سنتی استوار بود، محلی برای اطلاعات در عصر رسانه‌ها و آموزش نوین نیز شد.

تلفیق این دو شیوه در گذر زمان و پیرایش نواقص آن، نحوه‌ای از آموزش را در کارگاهم پدید آورد که می‌توان آن را نوعی حیات و زندگی کردن در کارگاه دانست.

بر این باورم در چنین شیوه‌ی آموزشی، ماحصل کار، نشان دادن همین جریان عشق و زندگی در تولیدات کارگاهی می‌باشد. سعی کردم در آموزش‌هایم، شاگردانم نیز در کارگاه احساس من را داشته باشند و در کارگاه زندگی کنند. انتقال این حس، شاید مهم‌ترین دست‌آوردی بوده است که سعی کرده‌ام به جز آموزه‌های فنی و هنری، به شاگردانم بدهم.

نتیجه‌ی این نحوه‌ی آموزش، همواره منجر به ساخت آثاری شده که انگاره‌ی زندگی در آن‌ها لمس می‌شود، ضمن آن که هر کسی آزادانه بیان شخصی و روایت نگاه خود را دارد؛ چیزی که همیشه در جست و جویش بودم.

آثاری که پیش روی شماست بخشی از همین رویکرد آموزشی است که با تعدادی از شاگردانم به سرانجام رساندیم.

آزاده شولی

تیرماه ۱۳۹۸

In the past times, the training and transferring of artistic techniques regarding art and culture to future generations, followed the customary method of "Master-and-Apprentice" having rules and principles of its own. But with the passing of time, the traditional approach gave way to academic system and in contemporary times we have been witnessing other means of teaching techniques of artistic nature apart from the traditional ones.

In this context, the art of pottery as one of the most important forms of fine arts, which has gone through both academic and traditional approaches, is worthy of critique and exploration.

Even though I obtained my knowledge in the art of ceramics by way of academic route at the beginning of my artistic journey, I felt an indispensable need to follow and utilize traditional methods as well. When I first set up my workshop, I had already gained enough experience in academic and traditional applications and because of this, I was totally familiar with the advantages and drawbacks of both avenues. As I allocated part of my workdays to teaching and training my students, I tried to assemble and systematize the positive aspects of both techniques in a modern format. On the basis of necessity, I communicated the views of academic system with my students as much as I kept a steady pace in my workshop holding traditional training.

As time passed, the coalescing of these two approaches along with redressing the flaws, created a type of training environment in my workshop that furnished a sort of living, a kind of life in the workshop so to speak.

With such teaching formula, I believe the outcome expresses the flow of love and life in workshop productions. In my teachings I have tried to encourage my students to have the same feelings as I do regarding life in the workshop. Apart from technical and artistic training they come to assimilate, the most important achievement is perhaps the conveyance of my own feelings to my students.

The result of such manner of teaching has consistently led to the creation of works of art that radiate the idea of life and portray individual feelings through freedom of expression and personal outlook—Something I have always been searching for.

The presented artworks before you, are part of the fruits of such teaching technique that I along with a few of my students have accomplished.

Azadeh Shooli
July 2019

آزاده شولی

متولد ۱۳۵۷ - امیدیه

فارغ التحصیل کارشناسی صنایع دستی از دانشکده هنر و معماری کاشان
گرایش تخصصی سفال و سرامیک
سرامپست - مجسمه ساز - کیورتور

فعالیت‌های هنری - نمایشگاهی

- نمایشگاه سفالینه‌های مدرن (گالری باران)
- نمایشگاه بافت و رنگ گالری (جهان نما)
- نمایشگاه باغ ایرانی (گالری هما)
- برگزاری نمایشگاه ده سرامپست، ده تکنیک (گالری شیرین)
- برگزاری نمایشگاه هزار و یک بشقاب زیر لعابی بخش نخست (گالری شیرین) شماره ۱ تا ۳۵۰
- برگزاری نمایشگاه هزار و یک بشقاب بخش دوم شماره ۳۵۱ تا ۵۰۰ گالری سرفیس ایرانشهر
- برگزاری نمایشگاه هزار و یک کاسه بخش نخست (اتریش وین)
- برگزاری نمایشگاه ۱+۲۷ سرامپست (گالری شیرین)
- نمایشگاه زرین فام ایران - ژاپن (موزه ایران باستان)
- هشتمین دوسالانه سفال و سرامیک (فرهنگستان صبا)
- اولین نمایشگاه زنان سفالگر (فرهنگسرای نیاوران)
- دوسالانه مجسمه‌سازی (موزه هنرهای معاصر)
- اولین اکسپو مجسمه‌سازی (خانه هنرمندان)
- نهمین دوسالانه سفال و سرامیک (سمنان)
- مروری بر نمایشگاه سفال و سرامیک (موزه امام علی)
- نمایشگاه سفال شهری (گالری برگ)
- داور دهمین دوسالانه سفال و سرامیک تهران - سمنان



Azadeh Shooli

31/08/1978 Iran

BA in Handicraft - Ceramic (expert knowledge)/Special glaze & body

Ceramic artist, Sculptor, Curator

Art Exhibition:

- Modern earthenwares exhibit - Baran Gallery 2004
- Gallery's texture and color exhibit - Jahan Nama 2005
- Iranian garden exhibit - Homa Gallery 2006
- Contemporary clay exhibit - Saba Cultural Center 2006
- Resistance exhibition - Contemporary Arts Museum 2007
- The eighth bi-annual clay and ceramics - Saba cultural Center 2007

- The first female potters exhibit - Niavaran Cultural Center 2008
- The sculpture bi-annual - Contemporary Arts Museum 2008
- The first sculpture expo - House of Artists 2008
- The ninth clay and ceramics bi-annual - Semnan 2010
- A review upon clay and ceramics exhibition - Emam Ali Museum 2010
- City clay exhibit - Barg Gallery 2011
- Curator of ten-techniques-ten-ceramics exhibit - Shirin Gallery 2014
- Judging the tenth clay and ceramics bi-annual - Emam Ali Museum 2015
- Lusterware exhibit - Iran and Japan 2015
- Curating 1001 plates exhibition (number 1-250) Shirin art gallery 2016
- Curating 1+27 ceramist Shirin art gallery 2016
- Curating 1001 bowls exhibition Vienna 2016
- Curating 1001 plates exhibition (number 251-500) Surface art gallery 2017

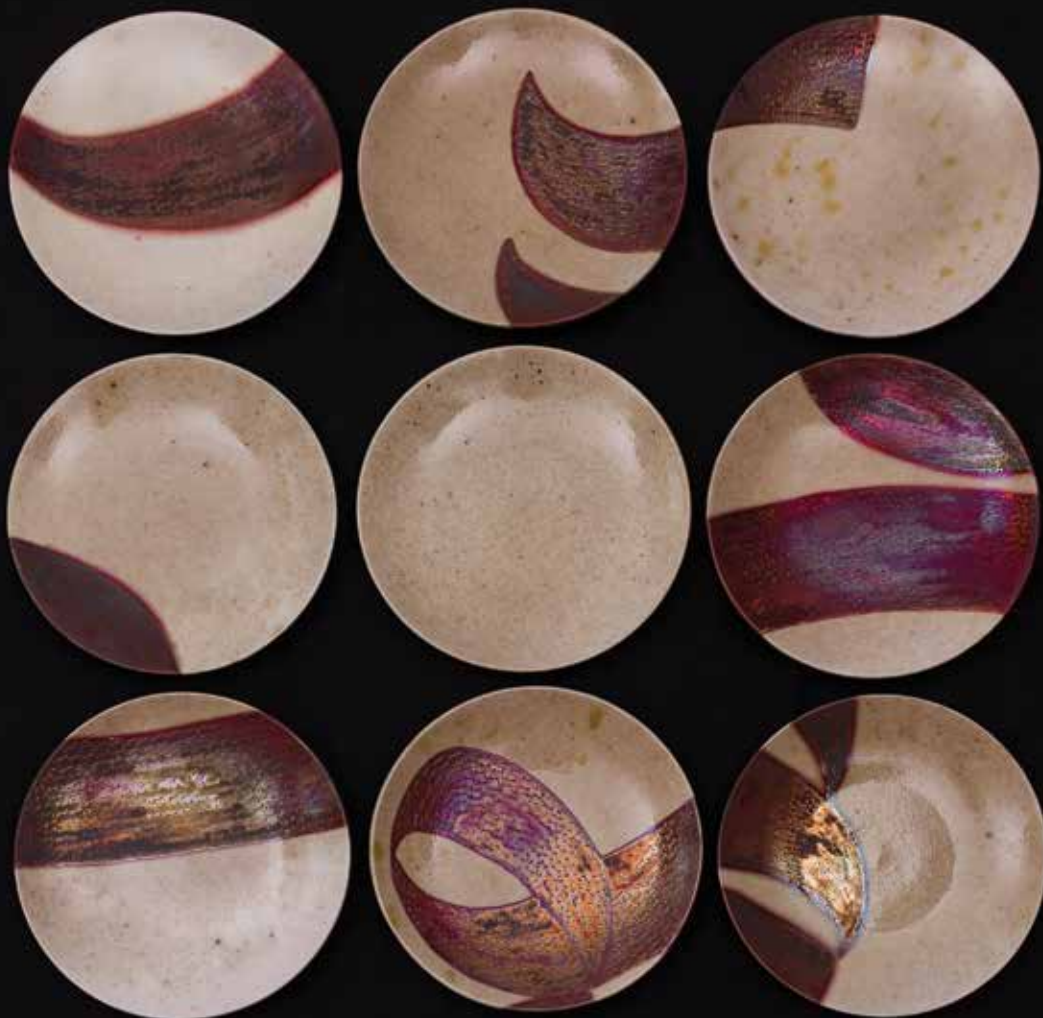


مجموعه "عجايب المكتوبات"
"Ajayeb Almaktoobat" Collection



پروانه اسلامی

Parvaneh Eslami



■ 100 x 100 cm



حمیدرضا اکبری - شرمینه شریفی

عنوان: آینه

این مجموعه، یادآور الهه‌ای است که با وجود تمایل جامعه به خاموشی او، با قدرت، عشق، لطافت و خلاقیت، الهه‌وش و پراز زیبایی، قادر به خلق نسل انسان بوده است. الهه‌ی شاکتی را باید از نو شناخت و خواست ما، بازشناخت این موجود توانمند و باهوش است؛ با همه‌ی محدودیت‌ها و رنج‌هایی که بر او روا داشته شده است.

Hamid Reza Akbari - Shermineh Sharifi

Title: Mirror

This collection is a goddess reminder, that despite the community's desire to be silent, she has been able to create the human race with power, love, creativity, goddess and beauty.

The goddess of Shakti must be redefined and our desire is to recognize this potent and intelligent being, with all the limitations and suffering she has committed.





■ 120 x 120 cm



سمیه ایل بیگی

عنوان: انقراض

گاهی می‌خواهی بروی
زمان می‌رسد
هستی، نمی‌روی
اما رنگ می‌بازی
آرام آرام کم رنگ می‌شوی
دیگر کسی تو را نمی‌شنود
هر جا که باشی، هر اندازه زیبا!
وقتی نتوانی بخوانی
وقتی صدایت را نشنوند
آن زمان توان رفتنی نیست
می‌مانی، اما خاکستری

Somayeh Ilbbeigi

Title: Extinction

Sometimes you feel like moving
And when the time is right
You stay instead of going
And lose your vivacity
Slowly you lose your nature's hue
And no one shall hear your voice
No matter where you are
No matter how beautiful you are
If you are not able to sing
If you are not heard by others
You will be unable
To summon the strength to leave
So you stay in the graynes



■ 150 x 80 cm

سارا بافتی‌زاده

قطعه‌ای از یک شیء و نقش روی آن؛ دری است به دنیایی که ما در آن نبوده‌ایم.
این مجموعه، اسمبلژی است از قطعاتی که امروز هستند و شاید فردا نباشند.

Sara Baftizadeh

A piece of object and the impression over it
A doorway to a world we have never been
The makeup of an assemblage of pieces
That exist now but may not tomorrow





الناز بهبودی

عنوان: ذهن بیدار

درگیری‌های ذهنی، افکار منفی، هیجان‌های روزمره و ازدحام شنیدنی‌ها و دیده‌ها، همچون گردبادی، ذهن را به هنگام خواب احاطه می‌کند. ذهن آشفته، ما را نسبت به اتفاق‌های درون خودمان ناآگاه نگه می‌دارد و در وادی وهم و خیال سرگردان می‌کند و از خود دور می‌سازد. چگونه در این دنیای پر دغدغه می‌توان به سکوت ذهن رسید؟

Elnaz Behboodi

Title: Awake Mind

Mental busyness, negative thoughts, daily excitement as well as a great deal of auditory and visual stimulation surround our minds like a tornado at bed time turning the mind into a state of agitation, keeping us unaware of the activities happening within ourselves and in the valley of phantoms and apprehensions, take us further away from ourselves.

How can we reach peace of mind in this world full of disturbance.







مریم پارسا زاده Maryam Parsa zadeh

عنوان: خیال تو Title: Imagination of you

مادر بزرگ با عشق قالی می‌بافت ؛ پدر بزرگ با عشق موهای
مادر بزرگ را. The grandma was weaving carpet with love; the grandpa,
weaving her hair with love



شاهد تابش اکبری Shahed Tabesh Akbari

عنوان: باغ ژاپنی Title: Japanese Garden



■ 28 x 15 x 46 cm









مریم جعفری

حجم‌های پیش رو، حاصل مشاهده و عکاسی از طبیعتی بکر است. در این مجسمه‌ها تلاش شده، نمونه‌ای از بافت و کنتراست رنگ‌ها و نور، حاصل از هم نشینی عناصر طبیعی، به رخ کشیده شود. در آخر با افزودن نور، علاوه بر تاکید بر این موارد، خواسته‌ی یک معمار برای نشان دادن عملکرد این حجم‌ها نیز محقق شده است.

Maryam Jafari

The presented works of art are the products of observation and photography of a pristine nature. These sculptures aim to showcase examples of texture as well as contrast of colors and light that stem from natural elements in combination. By adding light, not only the mentioned features are highlighted but also the dictates of an architect fulfilled regarding the functionality of such pieces of art.





■ 30 x 15 x 45 cm



نوگل جلالی

کیف‌های سرامیکی، عناصر چهارگانه
قسمتی از وجود ما انسان‌ها

Nogol Jalali

Ceramic bags, natural elements
as part of we human beings





■ 33 x 20 x 17 cm



Shafagh Janani

شفق چنانی

I look in the mirror
Behind these halcyon eyes
A world is roaring
I close my eyes
Someone is shouting...
Someone is dancing...
Somebody's dreaming...
Beyond this point
Someone is learning to fly
Like a little bird
And here within me
Deep into my thoughts and feelings
A world is breathing
This is my world

به آینه نگاه می‌کنم
پشت این چشمان آرام
دنمایی خروشان در جریان است
چشم‌هایم را می‌بندم
کسی فریاد می‌زند
کسی می‌رقصد
کسی رویا می‌بافد
کمی آن سو تر، کسی بسان پرنده‌ای کوچک
مشق پرواز می‌کند
درون من
در اعماق ذهنم
دنمایی نفس می‌کشد
اینجا دنمایی من است



■ 140 x 110 cm

Hanieh Haji Mirza

A quarter of a century, from winter
And moments of your blossom...
I'm filled with past
and now...
I'm relived
from the bitter taste of the dream...
You the ruthless kid,
Fly
It's time to be blessed with freedom

هانیه حاجی میرزا

ربع قرن خاطره از زمستان؛
و لحظه‌های رویش...
آبستم تمام گذشته را
و اکنون...
فارغ می‌شوم
طعم تلخ رویا را...
کودک افسرده‌ی گریان!
پرواز کن
وقت آزادی است





■ 50 x 50 x 50 cm

نادیا حسن‌زاده

من دلم را به چای هنوز گرم روی میز کنار تختم گرم می‌کنم.

Nadia Hasan Zadeh

The warm tea still there
On the table by my bed
Makes my heart feel warm
And my spirit encouraged.





■ 130 x 150 cm

سارا خدابی

ورود ممنوع؛ خروج ممنوع
با هر ویزایی که نگرفتم، به فرودگاه رفتم
و با هر هواپیمایی که پریدم، مهاجرت کردم...
هیچ گاه باز نخواهم گشت؛
اما هنوز ایرانم
و روی پاره پاره‌هایش لی لی می‌کنم...

Sara Khodami

Do not enter nor exit...
With each visa that I didn't get
I went to the airport...
With every plane that took off
I immigrated...
I shall never ever return
But I'm still here in Iran
Playing hopscotch
Over every broken part of





■ 90 x 90 cm



■ 10 x 30 cm



هدی خوانین زاده

Hoda Khavanin Zadeh



■ 27 x 42 cm

آسمان دهقان

تناسخ روایتی است از امکان زیست دوباره‌ی یک پدیده در کالبدی دیگر. ظرف مینایی با ترک، حیاتی دوباره را در ظرفی جدید آغاز می‌کند و ضمن یادآوری پیشینه‌ی ظروف مینایی، معنایی نو از کاربردی امروزی را به نمایش می‌گذارد.

Aseman Dehghan

The reincarnation is a phenomenon explaining the possibility of life in another body again after death, which with stretch of imagination, could be related to inanimate objects of art as well. For example, a design of an enamel dish faded into oblivion could become fashionable again in a new dish with modified design, which not only brings to mind the precedence of enamel dish artistry but also portrays a new meaning of today's art in enamel works.







مهناز دینیان
Mahnaz Dinian





Sara Rostami

سارا رستمی

Title: Countinuity

عنوان: استمرار



فاطمه رشیدی

عنوان: من یک دلک هستم

این مجسمه‌ها با الهام از شخصیت اصلی داستان «عقاید یک دلک»، اثر «هاینریش بل» خلق شده‌اند. گرچه شغل شخصیت اصلی داستان، دلک است ولی بسیار غمگین و درون گراست و از هر نیرنگ و دورویی به دور.

سعی من در ساخت این سه فیگور، نشان دادن حالت‌هایی از دوگانگی و کشمکش‌های درونی انسان است. پیچیدگی‌های ذهنی که گاه باعث می‌شود شخص خودش را از همه‌ی افراد دور و برش جدا کند و به تنهایی پناه ببرد و در طول این مسیر تلاش کند خود را از بند همه‌ی تعلقات و وابستگی‌ها رها سازد. کلاه شکسته شده‌ی دلک، نمایش بخشی از این تلاش برای رهایی و سبکی است.

قسمتی از متن کتاب:

«به آرامی گفتم: به هیچ. من به هیچ فکر می‌کنم.

گفتم: اما به هیچ چیز که نمی‌شود فکر کرد.

گفتم: چرا می‌شود. من در این لحظات احساس می‌کنم درونم به طور کامل خالی شده است. مثل یک فرد مست و دلم می‌خواهد کفش‌ها و لباس‌هایم را هم درآورم و به گوشه‌ای پرتاب کنم. بدون هیچ باری...»

Fatemeh Rashidi

Title: I am a clown

These sculptures are inspired by Heinrich Bell's story of «The Clown's Ideas» The main character of the story is a clown. However, it is a very sad and introspective clown bereft of any trickery and hypocrisy.

My attempt in making these three figures, is to point out the state of man's dichotomy and struggles. The mental complexities that sometimes force him to separate himself from people and society and take refuge in being alone and all the while try to free himself from dependencies and possessions. The broken hat of the clown signifies part of the quest for salvation and unbridled feelings.

An extract from the original book:

Quietly he said, «I don't think of anything at all»

But I said it is not possible not to think of anything

He replied, «Yes it is for at this moment I feel completely empty inside and like a drunk person, I want to take off my shoes and clothes and throw them in the corner and by doing so, get rid of my burdens...»





پوپک رهنمون

عنوان: هزار تو

هزار تو شبکه ای پیچیده و نامنظم از راهروها و مسیرهایی است که در آن یافتن راه دشوار است.
هزارتو از مارپیچ هایی هدف مند تشکیل شده که نمایان گر حرکت به مرکز وجود، دنیای درون و بازگشت به دنیای بیرون است.
هزارتو به مانند کهن الگویی از سفر زندگی است که مارا به خود(ego)هدایت می کند و از نفس (ego) دور می سازد.

Poopak Rahnamoon

Title: Labyrinth

A labyrinth is an irregularly complicated network Of paths and passages
Making it challenging to find one's way
Labyrinth is comprised of targeted spirals
Convolutd trails that represent movement
To the core of existence, inner world
And back to the outside world again.
Labyrinth serves as a paradigm
Of life's journey
That can guide us into ourselves
Signifying the futility of egois





■ 53 x 105 cm

Ghazaleh Sepehrband

My laziness?
My selfishness?
My happiness?
My depression?
My perfectionism?
Forgive me my dear
If you let me
I would like rise.

غزاله سپهر بند

تنبلی من؟
خود خواهی ام؟
سرخوشی ام؟
افسردگی من؟
کمال گرایی؟
عزیزم!
بخشید:
اگر اجازه بدهید می‌خواهم برخیزم.





نیلوفر سنگاری

عنوان: موربانه‌وار

زیستن در خانه‌های تکراری شهرهای بزرگ، دست‌آوردی جز آشفتنی برای انسان مدرن امروزی به همراه نداشته است. در گذر زمان هر چه انسان از طبیعت فاصله گرفت، بیشتر گرفتار اضطراب شد؛ چنان که نمود آن را می‌توان در تفاوت زیست شهری و روستایی دید. با این حال برخی از معماران با الهام از طبیعت، آثاری خلق کرده‌اند که راهی برای بازگشت به اصل خویشن آدمی است. موربانه‌وار تلاشی است برای یافتن معماری در طبیعت.

Niloufar Sangari

Title: Termitarian

Living in the same houses of big cities for the modern man of today, has no achievements but the mess. Whatever humans take some distance from nature by passing the time, they get into trouble more and more, and we can see the appearance in the difference of urban life and rural life.

However, some of architects have created some art works in the search for inspiration of nature to find a way to return to the principle of human self.

The Termitarian is an attempt to find the architecture in nature.





■ 62 x 25 x 43 cm



Shohreh Sheikh

شهره شیخی

Title: Identity

عنوان: چویدمان

Mount, River, Leaf

کوہ، رود، برگ

Nature is a witnessing ...

طبیعت شاهد است...

What we are doing with Ourselves,

با خودمان،

Our culture

فرهنگمان

Our identity...

چه بودمان (هویت مان)

چه می کنیم...



■ 35 x 15 x 30 cm



مرجانه صادقیانی

Marjaneh Sadeghiani

عنوان: هفت وادی عشق
(بر اساس افسانه هفت پیکر نظامی گنجوی)

Title: Seven Valleys of Love
(Based on the myth of «Seven Beauties» of Nezami Ganjavi)

در جست و جویت
از هفت وادی عشق به هفت رنگ گذشتم
ازسیاهی تا سپیدی، هفت زیبا، هفت افسانه گفتند
هفت ماه تابید، هفت فلک چرخید
نور آمد، زمین و آسمان به هم رسید
چشمانم روشن شد
تو همینجا بودی

In search of you
I passed through seven valleys of love
Having seven different colors, From dusk till dawn
Seven beauties related seven legends,
Seven Moons glowed, and seven Heavens circled
Light appeared, Earth touched the sky
My eyes turned bright
And you were right here all along



ملیحه طوبائی

بر شانه‌هایم، سنگینی می‌کند شهر
در دلم اما، تا فیروزه‌ای آسمان، دریچه‌ای ست و تا رهایی شاید درنگی ...

Malihe Toobaei

The city feels heavy on my shoulders; in my heart however, there is a window that opens up to the blue sky and it feels as though I am close to freedom.





■ 45 x 45 x 10 cm



Sara Abbaspour

سارا عباس‌پور

Slow and tender
Fingers embrace with love
Soil and water
It was earth's desire
To become celestial, sky-bound
To become cloud, become life
Look at the sky above
It is the lowly soil that in enamored state
Has turned into water, into cloud.

انگشتانی که به عشق
به آغوش می‌کشد خاک و آب را
نرم و آهسته
این آرزوی خاک بود که آسمانی شود
ابر شود
زندگی شود
به آسمان بالای سرت نگاه کن
این خاک است که در دلدادگی به آب
ابر شده است



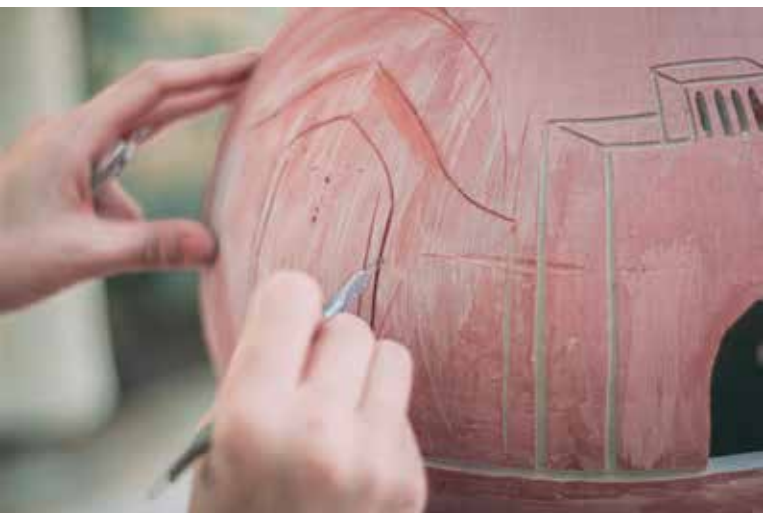


ماه‌زر علی‌وردی
Mah Zar Aliverdi



■ 18 x 12 cm & 12 x 6 cm





Kiana Kordestani

کیانا کردستانی

Title: Dome House

عنوان: گنبدخانه





Farzin Kovaji

All things that I needed to go to magic land, was the feathery quill and the helmet with colourful feather beside it. I wrote letters with feathery quill and fastened them to pigeons and informed the others of what I knew and also, asked what I wanted to Know, and this helmet made a warrior knight of me that had a great goal to fight. A precious asset to define for. And this story was began from my childhood. And now that I look more, the feather is equal with the registration and transfer of message for me, as it is equal with the braveness of flight for the birds. And my dream flight key, is here with a nature enabled with, colour and meaning.



فرزین کواجی

همه‌ی چیزی که برای رفتن به سرزمین جادو لازم داشتم، قلم پر و کلاهخود با پر رنگی کنارش بود. با قلم پر، نامه‌هایی می‌نوشتم، به پای کبوترها می‌بستم و آن چه را می‌دانستم به گوش دیگران می‌رساندم و آنچه را می‌خواستم بدانم، می‌پرسیدم و کلاهخود از من شوالیه‌ی می‌ارزی می‌ساخت که هدف بزرگی داشت برای جنگیدن. دارایی با ارزشی برای دفاع کردن. قصه از کودکی من آغاز شد... حالا که بیشتر نگاه می‌کنم، پر همان قدر که برابر شجاعت پرواز است، برای پرنده، برابر ثبت و انتقال پیام است برای من. کلید پرواز خیال من با طبیعتی نیرو گرفته از فرم و رنگ و معنا.



■ 55 x 90 cm



مأنده محمدیان امیری

عنوان: جعبه رنگین کمان

در صندوقچه‌ی خاطرات مادر بزرگ، جعبه‌ی دکمه‌های رنگینش به یادگار ماند.
خاطرات کودکی، یاد و بوی عطر گل‌های دامنش را رقم زد.
به دیوار خیالتان کوبیدم تا شریک باشیم در حس ناب اصالت و خیال



■ 100 x 200 cm

Maedeh Mohammadian Amiri

Title: Rainbow Box

In my grandmother's coffer, Remains colorful buttons as keepsak. My childhood memories, Bring back the fragrance of flowers, Strewn over her skirt. I'm hanging this nostalgic moment over the sails of your imagination, So that we could share precious feelings of splendor despite being apart.

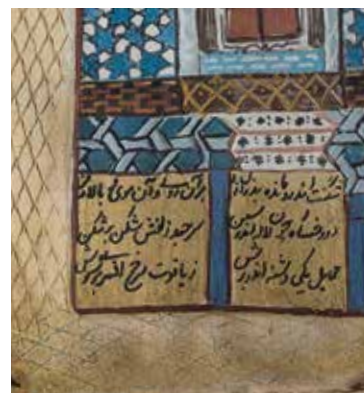


Banafsheh Mohammadian

بنفشه محمدیان

Title: Narrative

عنوان: حکایت





■ 160 x 150 cm



VI

71



Nazial Mahdavi

نازیلا مهدوی

Title: Neighbourhood

عنوان: پڑن



■ 70 x 50 cm

شیرین موسوی

هر نقش و نگار فرش ایرانی، همچون آواز خوانی است با آوازی دل نشین به رنگ
تخیل و تکرار، که می‌خواند اهل کجای این سرزمین است و از کدام آسمان بر زمین
نازل شده است...

Shirin Mousavi

Each pattern of Persian carpets Is like a singer with soothing voice
Interlacing iteration Calling forth imagination Crooning whereof this land It
has come from and out of which sky It has been descended.





■ 100 x 100 cm



ندا میرمیرانی
Neda Mirmirani







Shokoofeh Miri

Title: Extinction

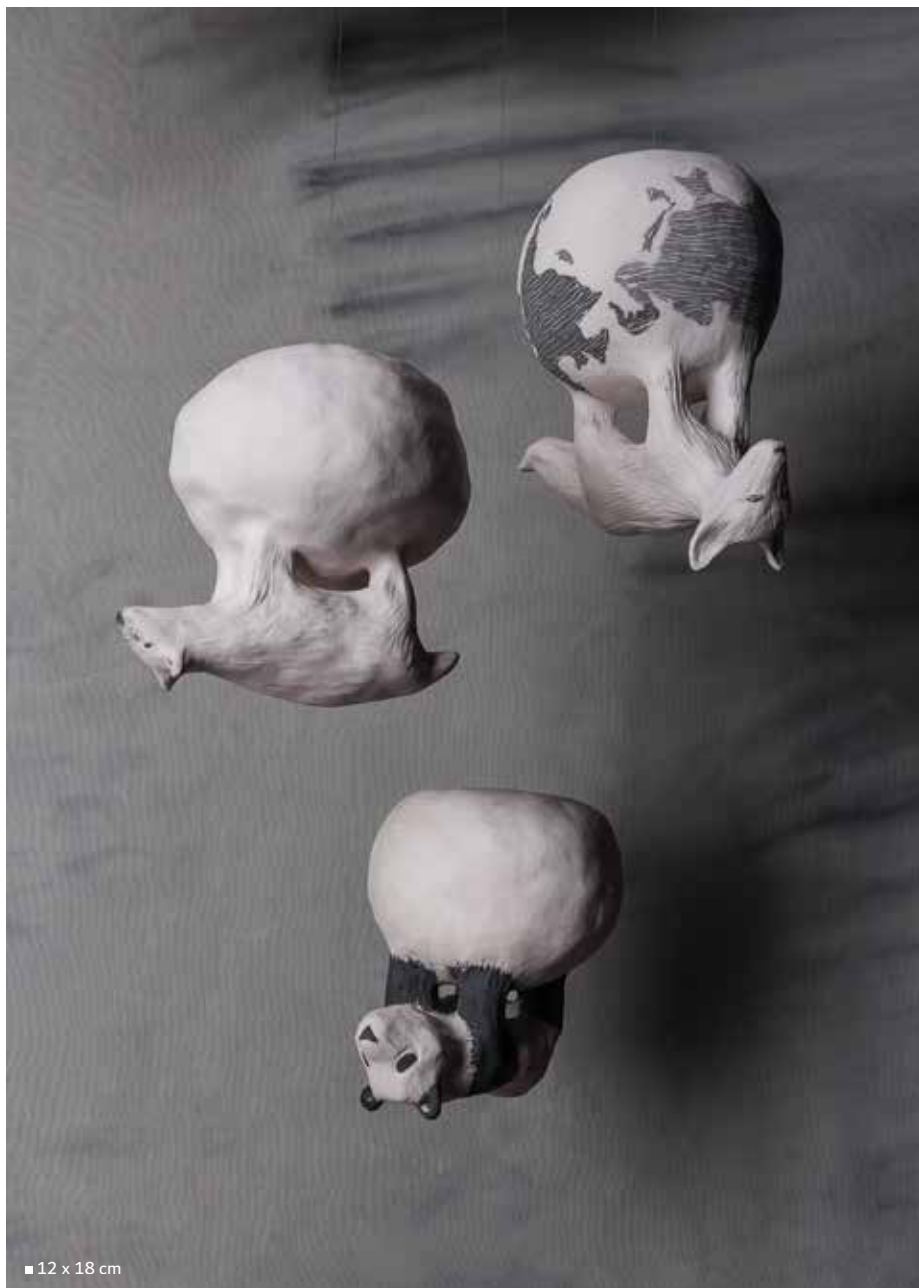
Floating, we all have been on this globe,
Seen, we have the consequences with the probe,
The last ones struggling hopeless going down,
Destiny though not written yet until the dawn.



شکوفه میری

عنوان: انقراض

غوطه ور همه‌ی موجودات بر روی زمین،
دیدهایم آثار رفتارمان بی شک و یقین،
آخرین‌ها دست و پا می‌زنند، نومیدانه می‌روند به فنا،
سرنوشت نانوشته‌ای هنوز چه دارد سحر بنا؟



■ 12 x 18 cm



Malihe' Varche'

Title: Madones

Madones: plural of Madone, From Old Italian to mean My lady,
Honorable, innocent and devout human
She has a pure nature
Regardless of what we think of her
Presume her to be.



ملیحه ورچه

عنوان: مَدونِس

مَدونِس؛ جمع مَدونه، برگرفته از ایتالیایی قدیمی، به معنی بانوی من،
انسان شریف، بی‌گناه، پارسا.
دارندهی ذات ناب؛ فارغ از آن چه که ما از وی استنباط می‌کنیم.



■ 60 x 40 cm





